

کام ایر
 بالهای مطمئن

کام ایر بزرگترین شرکت هوایی خصوصی کشور در خدمت شما میباشد

- مهمانداران داخلی و خارجی
- شبکه وسیع پروازهای داخلی و خارجی
- خدمات عالی
- طیارات مدرن

4422 +93799974422
 داخلی | خارجی

www.kamair.com

helpdesk@kamair.com

/ kamair

صدای مردم افغانستان هفته نامه

سال ششم/شماره ۲۴۲/یکشنبه/ ۱۰ سنبله ۱۳۹۸
 Sun/ 1 September, 2019/ Vol 06 / No. 242

انتخابات ریاست جمهوری؛ پروسه‌ی مبهم و جنجالی



صفحه ۱

خبر

وزارت داخله: ۵۶ شورشی طالب در قندز کشته شده‌اند

سخن گوی وزارت داخله گفته است، که در عملیات هوایی و زمینی نیروهای امنیتی در قندز، ۵۶ شورشی طالب کشته شده‌اند. نصرت رحیمی دیروز شنبه (۹ سنبله) در یک نشست خبری در کابل گفت: «شب گذشته گروه طالبان از سه استقامت بالای شهر قندز حمله کرد». او افزوده است، نیروهای خاص پولیس و نیروهای هوایی به قندز اعزام شده و ارقام تلفاتی که تاکنون به وزارت داخله رسیده، ۵۶ شورشی طالب کشته شده، که نهایی نیست.

سخن گوی وزارت داخله خاطر نشان کرد: «هنوز ارقام تلفات نیروهای امنیتی مشخص نشده، فعلا وضعیت در شهر قندز قناعت بخش است، طالبان از ساحه متواری شده و نیروهای امنیتی توانسته وضعیت را به گونه نرمال حفظ کنند». او تاکید کرد که گروه طالبان در دو نقطه شهر که شمال، شرق و شمال غرب است، حضور دارد و تلاش‌ها جریان دارد تا این ساحات نیز پاکسازی شود. به گفته رحیمی، شفاخانه دولتی شهر در دست نیروهای امنیتی قرار دارد.

دور نهم مذاکرات امریکا و طالبان پس از یک روز وقفه از سر گرفته شد

گروه طالبان اعلام کرده است که نهمین دور مذاکرات میان نمایندگان این گروه و امریکا پس از یک روز وقفه، دیروز (شنبه، ۹ سنبله) از سر گرفته شده است. این دور مذاکرات وارد دهمین روزش شده است. ذبیح‌الله مجاهد، سخن گوی گروه طالبان در یک پیام تویتری نوشته است، که «این دور مذاکرات روز گذشته به خاطر رخصتی روز جمعه متوقف شده بود که امروز شنبه ساعت ۹:۰۰ پیش از ظهر از سر گرفته شده است». این دور مذاکرات امریکا و طالبان در حالی ادامه دارد که گروه طالبان پیش‌تر اعلام کرده بود که آخرین نکات توافق‌نامه‌ی صلح افغانستان میان نمایندگان این گروه و هیأت گفت‌وگوکننده‌ی امریکایی تا پایان روز سه‌شنبه (پنجم سنبله) نهایی خواهد شد.

با آن‌که نکات اختلافی میان دو طرف در زمانی که گفته شده بود، نهایی نشد، اما طالبان روز پنج‌شنبه هفته گذشته اعلام کرد که در هفتمین روز مذاکرات روی نکات مهمی پیشرفت صورت گرفته است. دور نهم مذاکره میان گروه طالبان و هیأت امریکایی در دو حه، پایتخت قطر روز پنج‌شنبه هفته گذشته (۳۱ اسد) آغاز شده بود. انتظار می‌رود که دو طرف در این دور از مذاکرات به توافق نهایی دست یابند. پیشتر مایک پمپئو، وزیر امور خارجه‌ی امریکا نیز ابراز امیدواری کرده بود که طرفین تا اول سپتامبر به توافقی دست پیدا کنند. گفتنی است که تضمین در مبارزه با تروریسم، خروج نیروها، شرکت در مذاکرات بین‌الافغانی و آتش‌بس جامع و دایمی از چهار موضوع اساسی مورد بحث در نه دور مذاکرات میان امریکا و طالبان بوده است.

ادعای عبدالله در مورد حذف پروژه‌های مناطق مرکزی از سند بودجه نادرست است

وزارت مالیه‌ی کشور ادعای عبدالله عبدالله، رییس اجرایی و یکی از نامزدان انتخابات ریاست‌جمهوری مبنی بر حذف شماری از پروژه‌های انکشافی مناطق مرکزی از سوی این وزارت را رد کرده و گفته است که هیچ پروژه‌ای از سند بودجه‌ی ملی حذف نشده است. آقای عبدالله (جمعه، ۸ سنبله) در یک گردهمایی تیم انتخاباتی «ثبات و همگرایی» در کابل گفته بود که وزارت مالیه و شخص محمد همایون قیومی، سرپرست این وزارت می‌خواست برخی از پروژه‌های انکشافی مناطق مرکزی را از سند بودجه‌ی ملی حذف کند اما او جلو این کار را گرفته است. آقای عبدالله گفته بود که وزارت مالیه دلیل حذف این پروژه‌ها را خواست یکی از بانک‌های تمویل‌کننده‌ی افغانستان عنوان کرده بوده است.

در اعلامیه‌ی وزارت مالیه که دیروز شنبه منتشر شده، ضمن رد این ادعای رییس اجرایی، هم‌چنان گفته شده است که وزارت مالیه به تنهایی تصمیم حذف پروژه‌های انکشافی را گرفته نمی‌تواند. این وزارت هم‌چنان گفته، که هیچ یک از بانک‌های تمویل‌کننده‌ی افغانستان خواستار حذف پروژه‌های انکشافی نشده است. در اعلامیه آمده است: «سند بودجه‌ی ملی بعد از تصویب و توشیح، حیثیت سند قانونی را به خود می‌گیرد که در آن پروژه‌ها با در نظر داشت نظریات، پیشنهادات و ملاحظات مردم، اعضای کابینه و نمایندگان مردم مطابق به اولویت‌های انکشافی افغانستان گنجانیده شده و بعد از تصویب پارلمان به توشیح رییس‌جمهور می‌رسد». وزارت مالیه در این اعلامیه تأکید کرده است که در بررسی وسط سال، وجوه برخی پروژه‌ها با در نظر داشت ظرفیت مصارف ادارات الی ختم سال مالی ۱۳۹۸ تقیص شده است. یکی از دلایل تقیص این پروژه‌ها نیز اجراءات ضعیف ادارات و اختصاص بودجه‌ی آن به پروژه‌هایی که فعالیت‌شان دارای اجراءات بهتر بوده، گفته شده است.

خطوط غیر قابل تغییر در مذاکرات صلح

محمد نسیم نظری

گفت‌وگوهای صلح از دیر زمانی است، که نقل محافل سیاسی و مجامع مختلف افغانستان است. این پروسه که به رهبری امریکا با گروه طالبان جریان دارد، نزدیک به ۱۰ ماه است، که سرخط اخبار سیاسی افغانستان قرار داشته و هر کس با در نظر داشت توانایی و ظرفیت فکری خویش پیرامون این پروسه صحبت می‌کند. این پروسه پس از ۹ دور متواتر، به نظر می‌رسد به مراحل نهایی خویش نزدیک شده است. در آخرین گزارش‌های منتشر شده از این گفت‌وگوها در قطر، برخی رسانه‌ها ادعا کردند، که توافق‌نامه‌ی صلح میان دو طرف نهایی شده و تهاروی ترجمه‌ی مواد آن کار جریان دارد. به نقل از این منابع، این توافق‌نامه به سه زبان (دری، انگلیسی و پشتو) ترجمه خواهد شد و هر یک از این متن‌های ترجمه‌شده نقش و جایگاه اصل توافق‌نامه را دارد. به لحاظ حقوقی، اصل: اصل است و هیچ جایگزینی

برای آن متصور نیست، این که دو طرف توافق کرده‌اند، که هر یک از متن‌های ترجمه‌شده، کاربرد اصلی را داشته و می‌توان به آن‌ها استناد حقوقی کرد، این امر نیاز به تأمل دارد. این در حالی است، که هنوز تضادهای گفتاری حداقل در فضای تویتری میان زلمی خلیل‌زاد، نماینده ویژه‌ی امریکا در امور صلح افغانستان و سهیل شاهین، سخنگوی دفتر سیاسی طالبان در قطر هم‌چنان ادامه دارد. خلیل‌زاد تأکید دارد تا همه‌ی موارد را به گونه‌ای تصویرسازی نماید، که مردم افغانستان و کشورهای منطقه، نگرانی چندان از امضای یک توافق‌نامه‌ی نامیوم نداشتند باشند و به نحوی در تلاش بسترسازی برای جلب افکار عمومی در حمایت از پروسه‌ی صلح است. اما شاهین، هم‌چنان تأکید دارد، که هیأت مذاکره‌کننده روی تمامی موارد بحث کرده است؛ اما این بحث‌ها هنوز نهایی نیست و تلاش داریم تا روی خروج نیروهای

خارجی از افغانستان به توافق برسیم. هرچند تا کنون هیچ‌یک از طرف‌ها، ادعا نکرده‌اند که در مورد سرنوشت نظام سیاسی افغانستان بحث نموده و یا به توافق رسیده‌اند؛ اما از اعتماد به نفس سخنگوی گروه طالبان در قطر به وضوح چنین برداشت می‌شود که توافق روی موارد اصلی هم‌چون: (جدول زمان‌بندی خروج نیروهای خارجی، آتش‌بس عمومی، ضمانت گروه طالبان به امریکا و آغاز گفت‌وگوهای بین‌الافغانی) با طالبان انجام یافته است. این در حالی است، که در داخل افغانستان، اوضاع سیاسی به شدت پیچیده و مبهم است. دسته‌های انتخاباتی با بی‌میلی تمام به کارزارهای انتخاباتی‌شان ادامه می‌دهند. به غیر از دو تیم شریک در قدرت (دولت‌ساز و ثبات و هم‌گرایی) دیگر دسته‌های انتخاباتی هم‌چنان منتظر پروسه‌ی صلح و بی‌توجه به انتخابات ریاست‌جمهوری اند. (ادامه در صفحه ۳)

انتخابات ریاست جمهوری؛ نگرانی‌ها و امیدها



صفحه ۲

پایان یک بازی؛ آغاز سناریوی جدید



صفحه ۳

نگرانی‌های مردم از بده بستان‌های صلح



صفحه ۴



نگرانی‌های مردم از بده بستان‌های صلح

براساس گزارش‌ها و اطلاعات، دوزنهم گفت‌وگوهای صلح میان نمایندگان امریکا و طالبان که هنوز هم به پایان نرسیده، نتیجه‌بخش و مهم بوده است. نخست شبکه‌ی تلویزیونی الجزیره و سپس بخش فارسی بی‌بی‌سی به نقل از منابعی گزارش دادند، که دو جانب امریکا و طالبان بر سر خروج نیروهای امریکایی از افغانستان و مواد موافقت‌نامه‌ی صلح به توافق رسیده‌اند. هرچند ادعای شبکه‌ی الجزیره رد شد و اطلاعات بی‌بی‌سی از سوی دو طرف به‌صورت مشخص تأیید نشد، خوش‌بینی‌های دو جانب اما نشان می‌دهد، که متن توافق‌نامه‌ی صلح نهایی است و در ختم نهمین دور مذاکرات تا روزهای آینده، میان دو طرف به امضا می‌رسد.

در این میان آن‌چه مشکوک و نگران‌کننده به‌نظر می‌رسد، میدان جنگ است. با وصف آن که جزئیات توافق‌نامه‌ی صلح به‌صورت کلی بیرون نیامده و تمامی اطلاعات در حد حدس و گمان است، اما بحث خروج قوای خارجی از افغانستان در شرایطی که میدان جنگ هنوز هم داغ است و شبکه‌های تروریستی در این سرزمین فعال، به‌ترتیبی که صورت بگیرد، نگران‌کننده است.

در ماه‌های اخیر میدان جنگ با میز گفت‌وگوهای صلح در یک تناسب عجیب قرار داشته است؛ به هر میزانی که گفت‌وگوهای صلح جدی و جدی‌تر شده، میدان جنگ نیز داغ و داغ‌تر شده و متغییرهای جنگ نیز بیشتر. تنها در یک هفته‌ی اخیر ولایات شمالی کشور به‌شمول قندوز، جوزجان، تخار، بلخ و فاریاب گواه جنگ‌های کم‌پیشینه بوده و در ولایت‌های جنوبی و شرقی نیز میدان جنگ گرم بوده است. این وضعیت تا جایی جدی است، که جان‌بیس سفیر امریکا در کابل، به‌صورت صریح گفت، که طالبان هم می‌خواهد به صلح برسند و هم تأسیسات عام‌المنفعه را هدف قرار می‌دهند. واقعیت چنین است؛ صلح و جنگ به صورت هم‌زمان به پیش برده می‌شود، در این میان اما آن‌چه نگران‌کننده است، سرنوشت ماشین جنگی طالبان است، که با امضای توافق‌نامه‌ی صلح، غیرفعال شده و از کار می‌افتد یا خیر؟

از سوی هم خبر گسترش نفوذ گروه دولت اسلامی یا داعش در بخش‌های از کشور به‌ویژه ولایات شمالی جدی است و هرازگاهی کشورهای منطقه از این ناحیه ابراز نگرانی می‌کنند. سرگی لاوروف، وزیر خارجه‌ی روسیه چهارشنبه‌ی هفته‌ی گذشته (۶ سنبله) در یک کنفرانس خبری در مسکو، نفوذ داعش در شمال افغانستان را نگران‌کننده خوانده و مدعی شد، که نیروهای افغان در راستای ریشه‌کن کردن این تهدید ناتوان بوده است. این مسأله گواه یک حقیقت انکارناپذیر است؛ این‌که با امضای موافقت‌نامه‌ی صلح میان امریکا و طالبان، جنگ در افغانستان خاتمه پیدا نمی‌کند و داعش از همین حالا برای ادامه‌ی جنگ در این سرزمین آمادگی می‌گیرد.

تجربه نشان داده است، که به هر میزانی که جانب حکومت و جامعه‌ی جهانی در برابر گروه‌های درحال جنگ در افغانستان با نرمی و مدارا برخورد کنند، این گروه‌ها خون و خشونت بیشتر به نمایش می‌گذارند. طالبان در ادامه‌ی همین وضعیت راه می‌روند و تا هنوز که از توافق قریب‌الوقوع صلح حرف زده می‌شود، جنگ‌جویان این گروه در گوشه و کنار کشور، بی‌رحمانه‌تر از پیش تأسیسات عام‌المنفعه را هدف قرار می‌دهند و در برابر افراد ملکی و نظامی خشونت راه می‌اندازند. معنی این وضعیت این است، که ماشین جنگی طالبان با هیأت گفت‌وگوکننده‌ی این گروه تفاوت جدی دارد و اگر فکری برای مدیریت این ماشین نشود، احتمال پیوستن آن با داعش و شبکه‌های تروریستی دیگر بسیار بالا است.

بنابراین سرنوشت جنگ و صلح کشور هنوز هم مبهم است و برخلاف خوش‌بینی‌های نمایندگان امریکا و طالبان از جریان گفت‌وگوهای صلح، مردم افغانستان هنوز هم از استقرار صلح و ثبات دایمی در کشور ناامید هستند و مذاکرات صلح را با ترس و نگرانی دنبال می‌کنند.

انتخابات ریاست‌جمهوری؛ پروسه‌ی مبهم و جنجالی

اسحق‌علی احساس



انتقال داده‌ها و یا گد از دستگاه شناخت بیومتریک به پرنتر آن‌را با مشکل مواجه کنند. گذشته از این موارد، هنوز توانایی استفاده افراد در مناطق دور دست از سیستم بیومتریک در روز انتخابات با اما و اگرهای بسیاری همراه است. اگر کمیسیون انتخابات روند آموزش افراد را به‌صورت دقیق از همین حالا شروع نکند، امکان این‌که افراد در قسمت استفاده از فناوری بیومتریک در روز انتخابات به مشکل بخورد، بسیار بالا است. بنابراین می‌توان گفت، که کمیسیون انتخابات آمادگی دقیق و جواب‌ده تخبیکی برای انتخابات ریاست‌جمهوری را ندارد و از این لحاظ پروسه‌ی انتخابات به صورت جدی به مشکل خواهد خورد.

پروسه‌ی صلح: این پروسه بیشتر از هر زمانی دیگر سیاسی شده است. مردم و قشر سیاسی افغانستان در یک ناگزیری مبهم و رازآلودی قرار گرفته‌اند. از یک سو نیاز مردم به صلح شدید و ضروری است و از جانب دیگر اجندای صلحی که از آن حرف زده می‌شود در دستان مردم این سرزمین به‌عنوان صاحبان اصلی صلح قرار ندارد. به بیان روشن‌تر در شرایطی که نهمین دور گفت‌وگوی صلح میان نمایندگان امریکا و طالبان در دوحه قطر جریان دارد و رسانه‌ها به نقل از منابعی گزارش داده که متن و مواد توافق‌نامه‌ی صلح میان دو طرف نهایی شده است، مردم، قشر سیاسی و حتا حکومت افغانستان هم چنان در حاشیه‌ی این گفت‌وگوها قرار دارند و در تدوین و تهیه‌ی مفاد این توافق‌نامه هیچ‌گونه نقشی نداشته‌اند.

مضاف بر این مسأله، مصلحت سیاسی، اقتصادی و امنیتی ایالات متحده‌ی امریکا و پاکستان در پروسه‌ی کنونی صلح بیشتر از آینده‌ی افغانستان مهم و مورد بحث بوده است. هم‌چنان انتخابات ریاست‌جمهوری امریکا در راه است و دونالد ترامپ برای این‌که توجهی از جنگ افغانستان داشته باشد، به هر قیمتی که شده، جنگ افغانستان را یک‌سره می‌کند. با این اوصاف، می‌توان گفت که صلح با شکل کنونی، آمدنی است و هر پروسه‌ی دیگری که سد راه صلح شود، برای امریکا، پاکستان، طالبان و بخشی از سیاسیون و مردم افغانستان قابل قبول نیست. در چنین یک وضعیتی سرنوشت انتخابات مبهم و رازآلود به نظر می‌رسد. رازآلود به این معنی که اتحادیه‌ی اروپا در جبهه‌ی حمایت‌کنندگان انتخابات قرار دارند و تعدادی از کشورهای همسایه به شمول عربستان سعودی نسبت به برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری چراغ سبز نشان داده‌اند. جانب امریکا هم تا هنوز به صورت صریح در برابر انتخابات موضع نگرفته و تنها اعلام کرده که صلح برای آنان در اولویت قرار دارد. با کنار هم گذاشتن این موارد، نمی‌توان مطمئن بود که چه اتفاقی رخ خواهد داد، اما می‌توان پیش‌بینی کرد، که پروسه‌ی انتخابات به نوعی از جریان اتفاقات صلح تأثیرپذیر است و اگر مصلحت سیاسی امریکا، پاکستان و طالبان با برگزاری انتخابات تهدید شود، این پروسه به مشکل بر خواهد خورد.

بانک اطلاعاتی این نهاد با سرور اداری ثبت احوال نفوس وصل نیست تا براساس داده‌های این اداره افراد واقعی و غیرواقعی را از هم جدا کند. فهرست نهایی رأی‌دهندگان با استفاده از همین سیستم تهیه و نهایی شده و در روز انتخابات امکان سوءاستفاده از افراد خیالی در پروسه‌ی رأی‌دهی به شدت وجود دارد. در کنار این موضوع، چگونگی درج معلومات رأی‌دهندگان در بانک اطلاعاتی کمیسیون انتخابات مشکلات فراوانی دارد. بسیاری از نام‌ها به دلیل این‌که قابل خواندن نبوده با حدس و گمان درج شده و جنسیت بسیاری از افراد نیز در کتابچه‌های ثبت‌نام مشخص نبوده و در بانک اطلاعاتی کمیسیون با رویت نام مشخص شده است. این مسأله احتمال پیدانشدن نام و مشخصات افراد را در فهرست رأی‌دهندگان در روز انتخابات بالا می‌برد و همانند انتخابات پارلمانی سال گذشته احتمال آن وجود دارد، که نام و مشخصات بسیاری از افراد در فهرست رأی‌دهندگان پیدا نشود.

در کنار این چالش‌ها، برخلاف ادعاهای که از سوی کمیسیون انتخابات مبنی بر استفاده‌ی موثر از فناوری بیومتریک صورت می‌گیرد، این سیستم در انتخابات ریاست‌جمهوری چون انتخابات پارلمانی سال گذشته ناکارا خواهد بود و به جایی این‌که به شفافیت انتخابات کمک کند و گامی باشد برای الکترونیک‌سازی انتخابات در کشور، چالشی است بر سر راه انتخابات. به این دلیل که از این سیستم به‌شکل آفلان استفاده می‌شود نه آنلاین، نرم‌افزار آن به شدت ناامن است و امکان دخالت و دست‌رسی افراد به داده‌ها و اطلاعات آن وجود دارد. تفاوت نوعیت استفاده این‌بار با سال گذشته در این است، که در این انتخابات فهرست رأی‌دهندگان هر ولایت را به صورت مشخص در اس‌دی‌کارت‌های جداگانه انتقال می‌دهند و آن‌را در دستگاه‌ها می‌اندازد؛ در روز انتخابات شماره برجسب (استیکر) هر رأی‌دهنده در نرم‌افزار داخل شده و مشخصات آن در سیستم ظاهر می‌شود، سپس دو انگشت شست رأی‌دهنده بیومتریک شده و بعد از آن نخست عکس صورت شخص و سپس عکس تذکره‌اش گرفته شده و درج دستگاه می‌شود. در اخیر دستگاه با استفاده از این داده‌ها، یک کد را پرنتر (چاپ) می‌کند، این کد در ورق رأی‌دهی نصب شده و رأی‌دهنده با استفاده از این ورق رأی‌اش را به‌کار می‌برد. اما این بخشی از کار چند مشکل جدی دارد؛ اطلاعات رأی‌دهندگان که در دستگاه ذخیره می‌شود، امنیت ندارد و ممکن است به سادگی از سوی فردی حذف شود. به این معنی که افراد می‌توانند در ختم انتخابات برای این‌که جریان انتخابات را در یک محل یا مرکز رأی‌دهی زیر سوال ببرند، تمامی اطلاعات رأی‌دهندگان را از دستگاه مربوطه حذف کنند.

مشکل دیگر این نرم‌افزار و دستگاه در این است، که با پرنتر (چاپ‌گر) خود که گدھا از طریق آن پرنتر می‌شود، توسط شبکه‌ی بلوتوت وصل است. مشکل در همین‌جا است. شبکه‌ی بلوتوت در میان شبکه‌های انتقال مجازی، ناامن‌ترین شبکه است و افرادی که توانایی محدود تخنیکي داشته باشند، می‌توانند جریان

کم‌تر از سی‌روز تا تاریخ برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری زمان باقی مانده است. هنوز هم تردیدهای فراوانی نسبت به این پروسه وجود دارد. دسته‌های انتخاباتی به‌شمول مردم با بی‌میلی و بی‌رغبتی کارزارهای انتخاباتی را دنبال می‌کنند و بسیاری از نهادهای ناظر انتخاباتی برای نظارت از جریان انتخابات ریاست‌جمهوری ششم میزان تا این دم اعلام آمادگی نکرده‌اند. هرچند حکومت و نهادهای برگزارکننده‌ی انتخابات به برگزاری به‌موقع این پروسه تأکید دارند و این شب‌روورها پلان‌های عملیاتی انتخابات را تطبیق و عملی می‌کنند، اما این پروسه از سه‌جهت متفاوت به‌صورت جدی در معرض تهدید و تردید قرار دارند.

امنیت: وزارت داخله‌ی کشور اعلام کرده است، که تهدیدهای امنیتی در ۶۷۴ مرکز رأی‌دهی بلند است. قبل از این، کمیسیون انتخابات نیز پذیرفته بود، که بیش از دوهزار مرکز انتخاباتی به دلیل مشکلات امنیتی در روز انتخابات بسته خواهد ماند. این مسأله نشان می‌دهد، که پروسه‌ی انتخابات زیر تهدیدات جدی امنیتی قرار دارد و هرگاه طرف‌داران پروسه‌ی صلح با برگزاری به‌موقع انتخابات ریاست‌جمهوری مخالفت کنند، این پروسه بیشتر از پیش زیر فشار ناأمنی و جنگ قرار خواهد گرفت و این‌گونه امکان برگزاری انتخابات سراسری و شفاف در کشور محدود خواهد شد.

آمادگی‌های تخنیکي: کمیسیون انتخابات دوروز پیش (جمعه، ۸ سنبله) اعلام کرد، که روند انتقال مواد حساس انتخاباتی به حوزه‌ی غرب آغاز شده است و مطابق پلان عملیاتی، این مواد به سراسر کشور در تاریخ تعیین‌شده انتقال خواهد یافت. از سویی هم کمیسیون انتخابات تأیید کرده، که فناوری بیومتریک در این دوره با نرم‌افزاری مجهز شده که توانایی جلوگیری از آرای تکراری را دارند. اطلاعات و گزارش‌ها اما می‌رساند، که کمیسیون انتخابات آمادگی کافی تخنیکي برای برگزاری سالم انتخابات و استفاده‌ی موثر از فناوری بیومتریک را ندارد. حتا اگر چالش امنیتی و سیاسی بر پروسه‌ی انتخابات سایه نیندازد و انتخابات ریاست‌جمهوری به دور از حواشی پروسه‌ی صلح برگزار شود، بازهم عدم داشتن آمادگی کافی تخنیکي و عملیاتی از سوی کمیسیون، پروسه‌ی انتخابات را با چالش مواجه می‌کند. به‌طور نمونه، حدود نُه‌ونیم میلیون رأی‌دهنده در بانک اطلاعاتی کمیسیون انتخابات وجود دارد، از این میان اما به صورت دقیق مشخص نیست، که به چه تعدادی از این فهرست واقعی و به چه تعداد آن خیالی اند. پرونده‌ی تذکره‌های جعلی و اتهام خرید و فروش برجسب (استیکر) از سوی کارمندان موقت کمیسیون انتخابات به افراد و کاندیدان مجلس نمایندگان در جریان انتخابات پارلمانی سال گذشته، هنوز هم نامشخص است و سیستم به کار گرفته‌شده در بانک اطلاعاتی کمیسیون انتخابات توانایی تشخیص افراد جعلی از افراد واقعی را ندارد؛ به این دلیل که سرور

انتخابات ریاست جمهوری؛ نگرانی‌ها و امیدها

امیرپنهایان |



«کمیسیون مکلف است، به‌منظور تسریع پروسه‌ی انتخابات و تأمین شفافیت، تدابیری را اتخاذ نمایند، که همه‌ی مراحل پروسه‌ی انتخابات به شمول ثبت‌نام و تشخیص رای‌دهندگان مطابق طرز العمل مربوطه با استفاده از سیستم الکترونیک و تکنولوژی بیومتریک صورت گیرد.»

ولایات از روز جمعه‌ی هفته گذشته (۸ سنبله) رسماً آغاز گردیده و تا ۲۲ سنبله ادامه خواهد داشت. بنا بر گزارش‌های مطبوعاتی، این مواد به زون غرب کشور انتقال یافته و به‌زودی به سایر ولایات و زون‌های دیگر نیز منتقل خواهد شد. حبیب‌الرحمن ننگ، رییس دبیرخانه‌ی کمیسیون مستقل انتخابات، ضمن تأکید بر انتقال مواد حساس انتخاباتی به ولایات، تصریح نموده است، که این مواد شامل (برگه‌های رای‌دهی، رنگ انگشتان، دستگاه‌های بیومتریک و جدول جمع‌بندی نتایج) بوده و این کمیسیون تعهد دارد که بنا بر فیصله‌های صورت‌گرفته با نهادهای امنیتی، به مراکز و محلاتی که امنیت آنان توسط نهادهای امنیتی تأمین می‌گردد، مواد انتخاباتی را انتقال دهند.

اما در همین حال، شماری از نهادهای ناظر انتخاباتی و نیز احزاب سیاسی از نبود شفافیت لازم در شناسایی و آزمایش دستگاه‌های بیومتریک انتقاد نموده و انتقال آنان را بدون مشوره با نهادهای ذی‌ربط انتخاباتی، عمل مخالف اصول و ارزش‌های انتخاباتی در کشور عنوان می‌کنند. به باور این نهادها، دستگاه‌های خریداری‌شده از کشور دبی، توان شناسایی موارد تقلبی و تکراری را نداشته اما ظرفیت لازم برای شناسایی چهره‌های تکراری که دوبار بخواهند رای بدهند را ندارند. به گفته‌ی این نهادها، نبود این ظرفیت در دستگاه‌های بیومتریک،

براساس تقویم از قبل اعلان‌شده‌ی کمیسیون مستقل انتخابات، قرار است انتخابات ریاست‌جمهوری افغانستان در ۶ میزان سال روان برگزار گردد. این در حالی است، که هنوز دست کم شماری زیادی از کاندیدان ریاست‌جمهوری، دفاتر کمپاینی‌شان را در کابل و ولایات ایجاد نکرده و نسبت به برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری تردید دارند. دو تیم شریک در قدرت (دولت‌ساز و ثبات و هم‌گرایی) مبارزات انتخاباتی‌شان را آغاز کرده‌اند و معتقدند، که می‌توانند دوباره بیشترین آرای مردم افغانستان را کسب کنند. شماری دیگر از نامزدان، منتظر پروسه‌ی صلح و تحولات برخاسته از آن است. در تازه‌ترین گزارش‌های منتشرشده از گردهمایی کاندیدان، شماری از آنان تأکید کردند، که در صورت نهایی‌شدن توافق‌نامه‌ی صلح و ختم جنگ در افغانستان، آنان از این پروسه حمایت نموده و در انتخابات ریاست‌جمهوری پیش رو شرکت نخواهند کرد.

آنان هم‌چنان حکومت و کمیسیون مستقل انتخابات را متهم به کم‌کاری در پروسه‌ی انتخابات نموده و خواستار شفافیت لازم در این پروسه از سوی نهادهای ناظر ملی و بین‌المللی‌اند. اما در این گیر و دار کمیسیون مستقل انتخابات طی یک خبرنامه‌ای اعلان نمود، که پروسه‌ی انتقال مواد حساس انتخاباتی به

پایان یک بازی؛ شروع سناریوی جدید

اپروری مجاهدین، در آخرین روزهای اپریل ۱۹۹۲، به جنگ چپاده ساله افغانستان پایان نداد. از فردای ایجاد حکومت اسلامی، گروه‌های رقیب مقاومت و مبارزه جدیدی را آغاز کردند که هدف آن کسب قدرت بود. در ایامی که مجاهدین سعی داشتند تا موقعیت خود را در کابل و ولایات تحکیم بخشند، کابل برای ماه‌های طولانی آماج حملات راکتی مخالفان دولت و شلیک متقابل گروه‌های رقیب بود. گزارش‌های که از کابل می‌رسید، از آغاز مرحله غم‌انگیز دیگری در جنگ دامنه‌دار افغانستان حکایت می‌کرد.

در واقع حملات راکتی و درگیری گروه‌های رقیب تنها در شهر کابل سی هزار کشته و صد هزار زخمی به‌جا گذاشت. حدود نیم‌میلیون نفر پایتخت را ترک کردند. شهر کابل عمدتاً به ویرانه‌ای مبدل شد. میراث‌های فرهنگی، آثار موزه ملی، آرشیف ملی، گالری ملی و کتابخانه عامه که هر کدام به نحوی عظمت تاریخی کشور را بازتاب می‌داد، غارت شد. کشوری با صدها هزار کشته و زخمی و اقتصاد ویران شده، اینک رابطه خود را با تاریخ و گذشته‌اش نیز از دست می‌داد.

بر اساس توافق درباره تقسیم دره‌های قدرت، در اواخر ماه جون ۱۹۹۲، دروه دو ماهه ریاست‌جمهوری صبغت‌الله مجددی به پایان رسیده و جای او را برهان الدین ربانی گرفت. اما برهان الدین ربانی در پایان دوره چهار ماهه کارش اعلام داشت که او آماده نیست قدرت را جز به شورایی که جانشین او را انتخاب کند، به کس دیگری بسپارد. اما مخالفان او مانند گلبدین حکمتیار با این طرح موافق نبودند: *«اگر آن‌ها می‌خواهند با حزب اسلامی تفاهم کنند، پس بفرمایند استعفا کنند. حاضر شونده تا رهبران بنشینند، یک حکومت موقت درست کنند. ما با تفاهم حاضریم. با ربانی به عنوان رئیس جمهور هرگز به تفاهم حاضر نخواهیم شد.»*

حکومت برهان الدین ربانی بای حل مساله مشروعیت قدرت، در جنوری ۱۹۹۳ شورایی را به نام شورای اهل حل و عقد تشکیل داد. فرمانده احمدشاه مسعود که در آن زمان مسولیت وزارت دفاع را به عهده داشت، برگزاری این شورا را راهی برای انتخاب زعامت ملی در کشور می‌دانست:

«تعدادی جاه طلب و آشوبگر که از ملت و اراده ملت تشویش دارند و فکر می‌کنند که با اتکا به بعضی از قدرت‌ها می‌توانند یک جانبه در افغانستان حکومتی را به وجود بیاورند، خواستند که اوضاع را اخلال کنند و از این منکر نمی‌شویم که در همچو دار و دسته‌های بعضی دست‌های خارجی هم وجود دارد و طرفدار این هستند که در افغانستان همیشه آشوب برپا باشد و این ملت در حال گشت و کشتار یکدیگر به سر ببرند. این گروه‌ها خواستند که وضع را قسمی ایجاد بکنند تا شورای حل و عقد دایر نشود تا به بعضی اهداف دیگر که دارند، به این ترتیب دست پیدا بکنند. اما خوشبختانه این توطئه به شکست مواجه شد و کسی نمی‌تواند جلو دایر شدن شورای حل و عقد را بگیرد و ما امیدوار هستیم که در موقعش و در زمان تعیین شده‌اش شورای حل و عقد دایر شود و خود ملت در یک فضای آرام تصمیم خود را بگیرد و خود، حکومت و زعم آینه خود را تعیین کند.»

شورای حل و عقد دوره ریاست‌جمهوری برهان الدین ربانی را تمدید کرد؛ تصمیمی که مخالفان مسلح دولت از جمله حزب اسلامی گلبدین حکمتیار با آن موافق نبودند. عهد بستن و عهد شکستن از جنگی تا جنگ دیگر ادامه داشت. در همین حال مبارزه قدرت اتحاد های را که در زمان فروپاشی رژیم نجیب الله پدید آمده بود، از هم می‌گسست. در جنوری سال ۱۹۹۴ نیروهای ژنرال عبدالرشید دوستم راه خود را از متحد اصلی او یعنی احمدشاه مسعود جدا کردند. نیروهای جنبش ملی ژنرال عبدالرشید دوستم، حزب اسلامی گلبدین حکمتیار و حزب وحدت عبدالعلی مزاری، اتحادی را به نام شورای هماهنگی به وجود آوردند. اما با وجود این اتحاد، قیام مسلحانه نیروهای ژنرال دوستم و متحدینش با مقاومت نیروهای وفادار به دولت برهان الدین ربانی رو به رو شد.

منبع: طنین ظاهر، افغانستان در قرن بیستم، صص ۳۹۹-۴۰۲

باعث گردیده تا زمینه‌های تقلب و سازمان‌دهی انتخابات هم‌چنان وجود داشته باشد. این در حالی است، که کمیسیون مستقل انتخابات براساس بند دوم ماده ۱۹ قانون انتخابات مکلف به استفاده از ظرفیت‌های موثر و تکنولوژی در روند انتخابات است. در این ماده چنین آمده است: «کمیسیون مکلف است، به‌منظور تسریع پروسه‌ی انتخابات و تأمین شفافیت، تدابیری را اتخاذ نمایند، که همه‌ی مراحل پروسه‌ی انتخابات به شمول ثبت‌نام و تشخیص رای‌دهندگان مطابق طرز العمل مربوطه با استفاده از سیستم الکترونیک و تکنولوژی بیومتریک طور مصئون صورت گیرد». هم‌چنین در فقره‌ی سوم این ماده آمده است: «کمیسیون مکلف است، سیستم مندرج فقره‌ی دوم این ماده (دستگاه‌های انگشت‌نگاری) را قبل از استفاده، توسط مراجع با اعتبار ملی و بین‌المللی مورد ارزیابی قرار دهد».

اما در همین حال نهادهای ناظر انتخاباتی ادعا می‌کنند، که در مورد ارزیابی قبلی این دستگاه‌ها با نهادهای ذی‌ربط انتخاباتی هیچ نوع مشوره صورت نگرفته است. با تمام این وجود به نظر می‌رسد، که کمیسیون مستقل انتخابات در برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری با مشکلات زیر روبه‌رو است.

۱- عدم ظرفیت کافی مدیریتی برای پشپرد میکاینزهای روند انتخابات؛ کمیسیون مستقل انتخابات در کنار چالش‌های فراوان دورنی و بیرونی، با مشکل نبود نیروی انسانی متخصص و کارا در پروسه‌ی انتخابات روبه‌رو اند. این کمیسیون تا کنون نتوانسته است، که ظرفیت‌های مناسب انسانی را استخدام و از آن‌ها در امر پشپرد روند انتخابات استفاده نماید.

۲- عدم اعتماد عمومی؛ افکار عمومی پس از انتخابات پارلمانی پر تقلب و مملو از فساد ۲۸ میزان سال گذشته، نسبت به روندهای انتخاباتی به صورت عموم و کمیسیون‌های انتخاباتی به صورت خاص بی‌باور شده‌اند. بی‌باوری عمومی، می‌تواند فضای کلی انتخابات ریاست‌جمهوری را تحت شعاع قرار داده و آن‌را تغییر دهد.

۳- نبود اراده‌ی جدی برای برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری در سطح حکومت؛ رهبران حکومت هرچند به لحاظ جلب و توجه افکار عمومی، تلاش دارند تا اولویت اصلی‌شان را برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری عنوان کنند؛ اما به صورت مسلم هر دو تیم شریک در قدرت، منتظر نتایج پروسه‌ی صلح و حضور طالبان در قدرت سیاسی افغانستان است.

۴- یکی از مشکلات جدی فراروی برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری، پروسه‌ی صلح است، که باعث شده تا اکثر از کشورهای کمک‌کننده هیچ کمک مالی و تخنیکی به این پرسه ننمایند. تا کنون به صورت قطعی بودجه‌ی کمیسیون مستقل انتخابات از سوی نهادهای کمک‌کننده‌ی خارجی نهایی نشده است، عدم نهایی‌شدن بودجه، مانع جدی برای برگزاری انتخابات به موقع و عادلانه پنداشته می‌شود.

ارزش‌ها می‌تواند سرنوشت سیاسی و تاریخی کشور را دیگرگون سازد.

۲- مراجعه به آرای عمومی؛ طرف‌های مذاکره‌کننده به شمول طالبان، برای تثبیت جایگاه سیاسی‌شان در آینده و نیز جلب حمایت‌های اجتماعی، نیاز دارد تا مردم افغانستان به صورت واقع‌بینانه و صادقانه وارد گفت‌وگو شده و به نگرانی‌ها و درخواست‌های مردم پاسخ‌گو باشد.

۳- حمایت از نیروهای امنیتی کشور؛ بیش از ۳۰۰ هزار نیروی امنیتی افغانستان، شب و روز مصروف تأمین امنیت شهروندان کشور بوده و باید در مذاکرات صلح از آنان حمایت‌های همه‌جانبه‌ی سیاسی صورت گیرد. هرگونه تعامل در مورد سرنوشت ارتش، باعث فقدان نظم ساختاری و نبود حمایت‌های نظامی شده و می‌تواند سرنوشت مذاکرات صلح را به صورت عموم تغییر دهد.

۴- جلب توجه نهادهای بین‌المللی از جمله دفتر سیاسی ملل متحد در کابل و سایر نهادها، به منظور حمایت از ارزش‌های قانون اساسی، حقوق شهروندی، آزادی بیان و رسانه‌ها، حقوق زنان، حقوق اقلیت‌ها، نظم ساختاری و حمایت از کودکان، تا این ارزش‌ها به صورت اساسی در مذاکرات صلح حفظ و از آن حمایت شود.

خطوط غیر قابل تغییر در...

اجماع سیاسی برای پیشبرد گفت‌وگوهای صلح و نیز انتخابات ریاست‌جمهوری وجود ندارد. رهبران سیاسی هرکدام با توجه به امکانات و ظرفیت‌های فردی و تیمی‌شان در تلاش سهیم‌شدن در گفت‌وگوهای صلح و چانه‌زنی با رهبران طالبان است، رهبران حکومت وحدت ملی با قاطعیت تمام در تلاش برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری و تعیین رییس جمهور آینده می‌باشد. در این مرحله‌ی حساس از تاریخ سیاسی افغانستان به نظر می‌رسد توجه به موارد زیر ضروری است.

۱- حمایت از حاکمیت قانون و نظام مردم‌سالاری؛ برای ایجاد و بقای نظام دموکراتیک، مردم افغانستان در طول ۱۸ سال گذشته قربانی‌های انسانی، مالی، فرهنگی و سیاسی فراوانی پرداخت نموده‌اند. از این جهت، طرف‌های مذاکره‌کننده باید با تمام توان تلاش نمایند تا ظرفیت‌های سیاسی ایجاد شده در افغانستان را نادیده نگرفته و با در نظرداشت واقعیت‌های موجود کشور تصمیم بگیرند. ارزش‌ها و دست‌آوردهای سال‌های اخیر، بخشی از واقعیت‌های سیاسی و فرهنگی افغانستان بوده و هرگونه معامله در مورد این

اکثر از نامزدان انتخابات ریاست‌جمهوری، تا کنون دفاتر ولایتی‌شان را فعال نساخته و تنها در سطح رسانه‌های اجتماعی تبلیغات دارند. شماری دیگر از کاندیدان از جمله رحمت‌الله نبیل، رییس دسته‌ی انتخاباتی امنیت و عدالت، از نبود ظرفیت‌های مناسب امنیتی و عدم فراهم‌سازی بسترهای مناسب برای کارزارهای انتخاباتی شکایت داشته و حکومت را در امر تأمین امنیت نامزدان ناکام می‌خواند.

از سوی دیگر، شماری از سیاست‌گران کشور در تلاش اند تا با به نتیجه‌رسیدن پروسه‌ی صلح و حضور طالبان در قدرت سیاسی افغانستان، برای خود و تیم‌شان جایگاه سیاسی دریافت نمایند و در تلاش تفاهم و هم‌سویی با گروه طالبان و حضور در جلسات آنان می‌باشند. رهبران حکومت وحدت ملی در کنار کارزارهای انتخاباتی‌شان، بنا بر منابع معتبر، هیأت ۱۵ نفره برای پیشبرد مذاکرات صلح با گروه طالبان را آماده ساخته و به آنان فنون مذاکره را آموزش می‌دهند. این هیأت قرار است در سه کمیته‌ی جداگانه با گروه طالبان وارد مذاکره شوند.

تلاش‌های رهبران حکومت برای مدیریت پروسه‌ی صلح در حالی ادامه دارد، که قرار است به‌زودی توافق‌نامه‌ی صلح میان امریکا و گروه طالبان در قطر امضا و نهایی شود. پس از امضای توافق‌نامه بنا به برنامه‌ی طراحی‌شده، گفت‌وگوهای بین‌افغانی آغاز خواهد شد. در این گفت‌وگوها، روی چگونگی ساختار آینده‌ی سیاسی افغانستان و سرنوشت قانون اساسی کشور بحث خواهد شد. حکومت در تلاش است تا با استفاده از نیروهای تخنیکی و جاسازی آن‌ها در درون هیأت مذاکره‌کننده‌ی صلح، وضعیت کنونی را حفظ نموده و انتخابات ریاست‌جمهوری را در زمان تعیین‌شده‌ی آن برگزار نماید. اما گروه طالبان در تلاش لغو پروسه‌ی انتخابات و ایجاد اداره‌ی موقت است.

با توجه به وضعیت کنونی کشور، به نظر می‌رسد



اصول محاکمه ی عادلانه در پرتو قوانین داخلی افغانستان

مقدمه

یکی از مقتضیات اصل کرامت ذاتی انسان، حق بهره مندی شهروندان از محاکمه ی عادلانه است. این حق یکی از حقوق بشری است، که در بسیاری از اسناد بین المللی در سطح جهانی و منطقه ای، پیش بینی گردیده است. در قوانین اساسی و عادی کشورها از جمله در افغانستان نیز پاره ای از اصول و قواعد حاکم بر محاکمه ی عادلانه مقرر گردیده است. اما علی رغم اهمیت و جایگاه ویژه ای که محاکمه ی عادلانه در نظام حقوق بین الملل و به طور کلی جوامع مردم سالاری دارد، در هیچ یک از اسناد بین المللی و قوانین داخلی کشورها، تعریف مشخص و روشنی از آن به عمل نیامده است. صرفن به اصول و رعایت آن ها که جزء لاینفک محاکمه ی عادلانه است، پرداخته شده است.

حق برخورداری از محاکمه ی عادلانه در بر دارنده ی مجموعه ای از اصول و قواعدی است، که جهت رعایت حقوق طرفین در رسیدگی به دعوی آنان پیش بینی گردیده است. مطابق اصول مذکور هرکسی حق دارد، دعوایش به وسیله ی محکمه ی مستقل و بی طرف، به طور منصفانه و ظرف مهلت منطقی برابر با طرف مقابل در دفاع از خود به طور علنی مورد رسیدگی قرار گیرد. بر این اساس از ابتدای ورود در رسیدگی تا اجرای حکم، رعایت برخی تضمینات برای طرفین دعوی، اعم از این که دعوی مورد نظر، مدنی، جزایی و یا اداری محسوب می گردد، ضروری است.

در این مقاله در ابتدا به تعریف محاکمه ی عادلانه، در بخش دوم و سوم به معیارها و حقوق مظنونان و متهمان به طور مختصر اشاره می گردد.

کلید واژه: محاکمه، عادلانه بودن، مظنون، متهم، براءت الذمه، قانونی بودن، استقلال، بی طرفی و دفاع
بخش اول: مفهوم و تعریف محاکمه ی عادلانه
چنان که در مقدمه گفته شده، نه تنها در قوانین بین المللی و منطقه ای، بلکه در قوانین اساسی و داخلی کشورها، محاکمه ی عادلانه به روشنی تعریف نگردیده و صرفن به معیارهای آن پرداخته شده است. بنابراین لازم است، که به مفهوم و تعریف محاکمه ی عادلانه بپردازیم.

گفتار اول: مفهوم محاکمه عادلانه

اصطلاح «محاکمه ی عادلانه» که معادل Trial Fair به کار برده می شود، ترکیبی وصفی است، که برای درک دقیق مفهوم آن به شناخت معنای هر یک از واژه های «محاکمه» و «عادلانه» نیاز است.

بند اول: «محاکمه»، «داد رسی» و Trial

سه واژه ی «محاکمه»، «داد رسی» و Trial که به ترتیب عربی، فارسی و انگلیسی هستند و در اصطلاح حقوقی معادل یک دیگر به کار برده می شوند، در معنای لغوی متفاوت به نظر می رسند. کلمه ی «محاکمه» که مصدر باب مفاعله از ریشه «حکم» یعنی قضاوت است، به معنی عدالت را در خود ندارد، از این رو امر شده، که به عدل حکم کنید. چنانچه (سوره المائده آیه ۸) صریحن به عدالت امر نموده است.

واژه ی دادرسی مرکب از دو کلمه ی «داد» و «رسی» است، که نخستین آن عدل و انصاف و دومی آن رسیدن و رسیدگی کردن است (به داد کسی رسیدن).

کلمه Trial مصدر است که از Try گرفته شده، معنای لغوی آن سنجش، آزمون و بررسی است و در فرهنگ قضایی مفهوم رسیدگی را افاده می کند، که از همین معنا اقتباس شده است. در لغت هم برخی فرهنگ ها این کلمه را به معنای «رسیدگی رسمی به ادله در یک محاکمه ی

در قوانین اساسی و عادی کشورها از جمله در افغانستان نیز پاره ای از اصول و قواعد حاکم بر محاکمه ی عادلانه مقرر گردیده است. اما علی رغم اهمیت و جایگاه ویژه ای که محاکمه ی عادلانه در نظام حقوق بین الملل و به طور کلی جوامع مردم سالاری دارد، در هیچ یک از اسناد بین المللی و قوانین داخلی کشورها، تعریف مشخص و روشنی از آن به عمل نیامده است. صرفن به اصول و رعایت آن ها که جزء لاینفک محاکمه ی عادلانه است، پرداخته شده است.

صرف تابع قانون می باشد. رسیدگی و اصدار حکم توسط محاکم براساس اصل تساوی طرفین در برابر قانون و محکمه و رعایت عدالت و بی طرفی صورت می گیرد.

بخش سوم: اصول محاکمه عادلانه

این اصول بیانگر استانداردهای بنیادین حقوق بشر است، به نحوی که در بسیاری از اسناد بین المللی آمده است، که اکثر کشورها منجمله افغانستان نیز این اصول را پذیرفته و آن را مرعی می نمایند. این اصول می تواند نقش تعیین کننده را در هدایت محاکمه به سمت محاکمه ای عادلانه ایفا کند و حقوق بنیادی را به ویژه به متهم و آسیب دیدگان و شهود عطا کند، که منتفعین آن می توانند در محضر محکمه به آن استناد و در صورت نیاز به خاطر نقض آن اعتراض کنند، این اصول به عنوان ابزار مفیدی در تمامی مراحل فرایند محاکمه به کار می آید.

گفتار اول: تساوی اتباع در برابر قانون

بند یک: منع تبعیض

مقصود از تساوی در برابر قانون این است، که تمام قوانینی که از طرف مرجع تقنینیه در یک کشور وضع می شود، باید خاصیت عام داشته باشد. به همی افراد جامعه یکسان قابلیت تطبیق را داشته و هیچ نوع تمایزی در مورد در نظر گرفته نشده باشد. به گونه ی مثال در احکام قوانین مختلف اعم از جزایی، مدنی، تجاری و... تسجیل می گردد، تمام اتباع کشور مکلف به رعایت آن بوده و مجریان قانون است تا احکام آن را به طور یکسان تطبیق و اجرا نمایند. تا وقتی که بین افراد مساوات کامل از هر لحاظ بر قرار نشود محال است، که در جامعه ای عدالت اجتماعی محقق شود. این موارد در ماده های ۶ قانون اساسی، ماده ی ۶ کود جزا و ماده ی ۱۴ قانون تشکیل و صلاحیت محاکم تذکر داده شده است.

نظام اجتماعی و حکومت بر آن استوار است.

بند یک: قانونی بودن محکمه در قوانین افغانستان

در مواد متعدد قانون اساسی، تأکید شده است، که هر محکمه راجع به مواردی که باید رسیدگی کند اولین صلاحیت داشته باشد، ثانیین باید این صلاحیت را قانون تعیین کند. در این باره در ماده ۲۷ قانون اساسی و ماده ی ۷ کود جزا صراحتن بیان نمود است و در ماده ی ۱۱۶ قانون اساسی آمده است که «قوه ی قضائیه مرکب است، از یک ستره محکمه، محاکم استیناف و محاکم ابتدائیه که تشکیلات و صلاحیت آن توسط قانون تنظیم می گردد.» هم چنان در ماده ی ۱۲۳ قانون اساسی آمده است که «رعایت احکام قانون اساسی، قواعد مربوط به تشکیل، صلاحیت و اجراءات محاکم و امور مربوطه به قضات توسط قانون تنظیم می گردد.» ماده ی ۴ قانون تشکیل و صلاحیت محاکم در این مورد مقرر می دارد: «هیچ قانونی نمی تواند در هیچ حالت قضیه یا ساحه را از دایره ی صلاحیت قوه ی قضائیه خارج ساخته و به مرجع دیگری تفویض نماید.»

بند دوم: مفهوم عادلانه

عادلانه یا منصفانه معادل واژه «Fair» به کار برده می شود، که در لغت به معنای «رفتار برابر و مطابق با قواعد و حقوق با هر شخص یا طرف» آمده است. در ادبیات قضایی، این واژه به معنی داشتن وصف به طرفی و درستی، آزادی از تعصب و جانب داری و نفع شخصی و برابری میان طرفین منازعه به کار برده می شود. این صفت در عبارت «محاکمه ی عادلانه» دلالت دارد. (رسولی، ص ۱۲، ۱۳۹۳)

بخش دوم: معیارها و تضمین های نهادی

تضمین های نهادی و تدابیر سازمانی زمینه ساز استقلال و بی طرفی محکمه و قضایی است، که بدون آن تضمین های شکلی و آیینی نیز موثر نخواهد بود. لیکن تأمین تضمین های نهادی مانند استقلال و بی طرفی محکمه پیش از هر چیز به قانون گذار بر می گردد، تا نهاد های لازم را به نحو سازگار با حقوق بشر تأسیس کند. بنابراین در درجه ی نخست، سازمان و ارگان های قضایی باید طبق قانون پدید آیند و حاصل یک فرآیند قانونی باشند. به عبارت دیگر ارگان های قضایی مرجعی است، که به موجب قانون تأسیس می گردد و دارای اختیارات قضایی است. بر این اساس مسائلی را که در این بخش مورد مطالعه قرار می دهیم عبارت از (قانونی بودن و صلاحیت، استقلال و بی طرفی) می باشد.

اصل یک حکومت داری خوب تطبیق قوانین است، که

حق برخورداری از محاکمه ی عادلانه در بر دارنده ی مجموعه ای از اصول و قواعدی است، که جهت رعایت حقوق طرفین در رسیدگی به دعوی آنان پیش بینی گردیده است. مطابق اصول مذکور هرکسی حق دارد، دعوایش به وسیله ی محکمه ی مستقل و بی طرف، به طور منصفانه و ظرف مهلت منطقی برابر با طرف مقابل در دفاع از خود به طور علنی مورد رسیدگی قرار گیرد. بر این اساس از ابتدای ورود در رسیدگی تا اجرای حکم، رعایت برخی تضمینات برای طرفین دعوی، اعم از این که دعوی مورد نظر، مدنی، جزایی و یا اداری محسوب می گردد، ضروری است.

